

پیشنهاد هوا

امیر فیض - حقوقدان

پنجشنبه ۲۷ خرداد ۲۵۴۹

۱۷ جون ۲۰۱۰

این تحریر در رابطه با به اصطلاح پیشنهاد اخیر موسوی است که بتاريخ ۲۵ خرداد سال جاری (۲۵۴۹) انتشار یافته است.

آیا میتوان به پیشنهاد مزبور ترتیب اثر داد، یعنی آنرا در مسیر حقوقی یک پیشنهاد دانست؟

این تحریر قاصد است که به سوال بالا جواب بدهد.

هر حرکت اجتماعی یا سیاسی تابع یک نظم است و هر چیز که تابع نظم باشد بالطبع متکی بر یک ضابطه حقوقی است و درمجرای این ضابطه حقوقی است که اصالت و حقانیت نظم و یا حق به اثبات می رسد.

پیشنهاد بطور کلی تابع نظم است که اگر از آن چارچوب خارج شد و یا داخل در چارچوب قرار نگرفت پیشنهاد نیست.

پیشنهاد از نظر حقوقی یک نوع ایجاب است، شرط صحت ایجاب چیزهایی است، از جمله اینکه طرف ایجاب، مشخص و محدود و معین باشد. چرا که برای اینکه ایجاب از حالت ایجاب بودن پیشنهاد، به حالت قبول درآید، نیاز به طرف دارد. یعنی یک شخصیت حقوقی و یا شخصیت طبیعی مشخص و معلوم داشته باشد. ایجابی که طرف نداشته باشد، پیشنهاد به هواست.

با تطبیق جلو برویم. راحت تر است:

پیشنهاد موسوی یک ایجاب است، قبولش از ناحیه چه کسی می تواند فعلیت پیدا کند؟

در حالیه موسوی یعنی پیشنهاد کننده مدعی است که جنبش سبز فاقد رهبری است و نیازی هم به رهبری ندارد، نیاز به سازمان ندارد و متشکل از نامحدود و نامعلوم گروه هایی است با عقاید مختلف، چگونه این عدم محدودیت، عدم مدیریت

و عدم مسئولیت و عدم وجود شخصیت حقوقی می تواند به ایجاب (پیشنهاد) او شکل حقوقی بدهد و در مسیر نظم پیشنهاد جریان بیاندازد.

مسیر پیشنهادی موسوی:

برای اینکه پیشنهادی (ایجاب) با اتصال به قبول بصورت عقد ویا توافق درآمد لازم است مسیری را که قانون و نظم پیشنهاد معین کرده طی نماید.

پیشنهاد موسوی، به جنبش سبز است. جنبش سبز از نظر صورت یک واحد حقوقی است ولی از نظر معنا و ماهیت، فاقد شخصیت حقوقی و تنها یک اسم است (چون فاقد اساسنامه، ثبت و فاقد مسئول و مدیر ویا سایر شرایط شخصیت حقوقی است)

مسیر هر پیشنهادی باید از صلاحیت مفروش شده باشد، ایجاد صلاحیت در شخصیت های حقوقی به کیفیتی است که اساسنامه و سایر اسناد حقوقی آن شخصیت حقوقی تعیین کرده و متصدیان و مسئولین آن شخصیت را نیز معرفی کرده. بنابراین در شخصیت های حقوقی مدیران هستند که می توانند طرف ایجاب (پیشنهاد) قرار گرفته و آنرا قبول ویا رد ویا اصلاح کنند.

آیا جنبش سبز در چنین موقعیتی قرار دارد؟ جنبش سبز در مسیر صلاحیت افتاده است؟ مسلماً خیر، بنابراین مسیر حرکت پیشنهادی موسوی به جنبش سبز فاقد شرایطی است که لازمه قبول ویا رد پیشنهاد باشد.

آیا پیشنهاد موسوی، موضوع قابل بحث است:

عرض شد که نمیتوان به پیشنهاد موسوی، جریانی را داد که با طی آن یک پیشنهاد واجد شرایط حقوقی شناخته شود. هرچیزی قابل بحث و طرح است ولی اینکه آثار حقوقی مترتب آن می شود یا خیر، موضوع اصلی در هر بحث و نقدی است.

کوبیدن آب در هاونگ هم یک کار است ولی آیا آن کار حاصلی دارد و کار عقلایی است و آثاری بر آن مترتب است، مسئله اساسی است.

هر طرح و یا پیشنهاد (ایجابی) در صورتی که طرف قبول مشخص و محدود نداشته باشد، از حریم اصالت و ضمانت هم بدور خواهد بود. و این بدان معنی است که هر پیشنهادی با اکثریت میتواند در مجرای قبول یا رد قرار گیرد.

در حالیکه طرف قبول، در جنبش سبز نا محدود و نا مشخص است چگونه می توان به اکثریت رسید که ایجاد کننده حق قبول برای ایجاب است. در کلامی دیگر چند نفر به پیشنهاد موسوی آری بگویند که آن آری ها قبول تلقی گردد؟

مجرای حقوقی و حقانیت پیشنهاد، اکثریت است، در حالیکه پیشنهاد موسوی بعلت ساختار جنبش سبز نمی تواند در مسیر قرار گیرد، لذا، آن پیشنهاد مانند باد در هوا است.

انسان وقتی نامه ای دریافت می کند که خطاب به خودش نیست، آنرا یک آگهی تلقی می کند، مثل آگهی دعوت برای نمایش و خرید کالا، پیشنهاد موسوی در عرض همان آگهی است نه بیشتر.

مالکیت یا سابقه:

کسی که پیشنهادی می دهد، اگر موضوع پیشنهاد مُلک یا حقی است باید مشخص و مُحرز باشد که پیشنهاد دهنده را بر آن حق و ملک ید مالکیت است.

اگر پیشنهاد جنبه رفتاری داشته باشد (پیشنهاد موسوی از آن قسم است) باید بین سابقه و پیشنهاد، پیشنهاد دهنده با موضوع پیشنهاد، رابطه هماهنگی وجود داشته باشد و اگر چنین نبود، پیشنهاد، در مسیر قبول و یار موضوع قرار نمیگیرد و در مسیر بی توجهی خواهد افتاد.

از باب مثال کسی که بیست (۲۰) سال سابقه جنایت، تجاوز به مال و ناموس مردم را دارد اگر پیشنهاد ایجاد یک دارالاخلاق و جایگاه نگهداری از زنان و کودکان بی سرپرست را داد، این پیشنهاد به اعتبار سوابق زشت آن پیشنهاد دهنده قابل اعتبار نیست و اساساً بکل رد می شود.

موسوی به علت سوابق وهمدستی با جنایتکاران، کشتار بدون محاکمه زندانیان، ترور ایرانیان خارج از کشور، اغفال جوانان برای عبور از روی مین ها، حمایت آشکار از خمینی و خط او و حمایت از جمهوری اسلامی و ولایت فقیه، کسی نیست که پیشنهاد او با سوابق و پیشینه او هماهنگ باشد.

پشت این پیشنهاد چه خوابیده است:

آیا موسوی نمیداند که پیشنهاد اوفاد ارکان پیشنهاد است و مانند تیر هوایی است که فقط صدا دارد. دقیقاً میدانند، پس چرا تیر هوایی انداخته است؟ پاسخ این پرسش را باید در این مختصر یافت. رویداد های در رابطه با جنبش سبز در ایران و خارج از ایران گواه است که جنبش به افول و سقوط فوق العاده سریعی که انتظارش نبود گرفتار شده است، تلاش های مذبحخانه جنبش در سالگرد انتخابات و شکست مفتضحی که موسوی و کروبی با اعلامیه خودشان به جنبش نیمه مرده دادند آخرین رمق جنبش هم به هوا رفت تا جایی که روزنامه ها و خبرگزاری های آمریکایی هم این سقوط مرگ آسای جنبش را نتوانستند نادیده بگیرند (واشنگتن پست و نیویورک تایمز)، حتا سناتور «مک کین» هم اظهار داشت: «من نمی توانم این مسئله را رد کنم که اوپوزسیون ایران و ادار به تسلیم شده است»

آمریکایی ها برای اینکه نفس تازه ای به این مرده بدهند، درست یک روز بعد از سالگرد ۲۲ خرداد و اعلامیه موسوی و کروبی در خودداری از تظاهرات، اجلاس تخصیص جایزه آزادی را به جنبش تشکیل دادند که در این جلسه پاراک او باما به سختی از جنبش سبز دفاع کرد و تلاش های آنان را ستود و حتا گفت: «ظرف یکسال اخیر مردم ایران در پی کسب حقوق جهان شمول خود کوشیده اند و با سرکوب در خیابان ها روبرو شدند و بدون علت به زندان افتادند و به اتهام دروغین به خدمت بیگانه محکوم شدند»^۱

حاشیه:

نکته جالب در اظهارات او باما این است که ایشان خدمت به بیگانه را خیانت و اتهام دانسته ولی توجه آنرا به ایادی جنبش سبز که در خدمت آمریکا هستند رد می کند که این دم خروس است که حتا در همین اجلاس جایزه آزادی به جنبش سبز نمایان است (پایان حاشیه)

سایت های وابسته به جنبش سبز در خارج عموماً در جهت انتقاد از جنبش و خاصه اعلامیه بی معنا و بل در جهت خواست جمهوری اسلامی قرار گرفتند و جنبش را ورشکسته آنهم به تقصیر سران ادعایی جنبش دانستند. این جریان که باختصار عرض شد لازم ساخت که یک تقلاي عمومی به معارضه با آن برخیزد. واشنگتن به ترتیب دادن اجلاس جایزه

^۱ - آن زمان که اعلامیه هایی در رابطه با کرد های اعدام شده صادر شده بود اعلام کردیم و استاد امیر فیض هم نوشتاری بسیار روشن در آن باره داشتند مبنی بر اینکه، تا زمانی نمی توان از محتوای پرونده اشخاص سیاسی و حقوقی آگاهی داشت پشتیبانی از آنان شایسته نیست بلکه موجب مسئولیت سیاسی می گردد، با این جمله آقای او باما معلوم می شود جرم آن اشخاص همکاری با بیگانه بوده و رژیم گلوگاه پشتیبانان جنبش سبز که در خدمت بیگانه بوده اند و یا بدون ارتباط با جنبش سبز فقط در جهت همکاری با بیگانه، را گرفته بوده است. این کار، همکاری با بیگانه یعنی خیانت به کشور در هر حال و در هر زمان، بنابراین پشتیبانی از یک عده خائن اعدام شده می تواند مسئولیت سیاسی همفکری با خائنین را به همراه داشته باشد. ح-ک

آزادی به جنبش سبز و سخنرانی باراک اوباما و چند شخصیت دیگر آمریکایی براه افتادوهم زمان یعنی بفاصله یک روز، پیشنهاد موسوی هم براه افتاد تا شاید این جریانات به اتفاق هم بتوانند یک تنفس مصنوعی به جنبش سبز بدهند.

آیا این تنفس مصنوعی سبب زنده شدند جنبش سبز از اول مرده سبز، می شود؟

پاسخ این پرسش که نیاز به بحث و ارائه دلیل کافی براینکه جنبش سبز از اول مرده بود را دارد ولی جمله ای منتسب به استالین است که میتواند گویای وضع جنبش سبز باشد.

شاف در مقعد چه سود است مرده را!!!

○○○○○○

○○○○○

○○○○

○○○

○○

○